

فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران^۱

فروزنده جعفرزاده پور^۲ * حسین حیدری^۳

چکیده

هدف اصلی این مقاله تبیین رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در کشور است. این مقاله تلاش دارد با استفاده از روش فراتحلیل پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، تصویر و شمای کلی از این مطالعات و روش‌شناسی آنها ارائه دهد. جامعه آماری این مقاله محدود به پژوهش‌هایی است که در قالب پایان‌نامه و مقاله در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد: استفاده از روش‌های کمی و به‌ویژه روش پیمایش از محبوبیت بیشتری در بررسی این موضوع برخوردار است. دیدگاه کنش متقابل نمادین، تئوری استعمار داخلی و مکتب‌نوسازی به‌عنوان چارچوب مفهومی مطالعه است. یافته‌ها حاکی از آن است که تعداد پژوهش‌ها در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه ۱۳۷۰ از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است و این موضوع توجه افراد و صاحب‌نظران مختلف را برای پژوهش در این حوزه را تحت تأثیر قرار داده، ولی به شکل‌گیری مطالعات بین‌رشته‌ای در این حوزه منجر نشده است.

واژگان کلیدی: هویت قومی، هویت ملی، رابطه هویت قومی و ملی و فراتحلیل.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره یازدهم، تابستان ۹۳، صص ۶۳-۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۱۰

۱. بخشی از مقاله حاضر از طرح پژوهشی «بررسی و سنجش هویت قومی ایرانیان» استخراج شده که با اعتبار دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی در گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی اجرا شده است.
۲. استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، نویسنده مسئول (fjafarzadehpour77@gmail.com).
۳. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی (hs.heidari@gmail.com).

مقدمه

هویت پاسخ به چیستی و کیستی انسان‌هاست. هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است که در صورت تقویت، انسجام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. «شرایط و زمینه‌های ساختاری، طبیعی و جغرافیایی و تنوع فرهنگی و قومی در کشور ما از یک سو و فرایند جهانی شدن و بین‌المللی‌گرایی، تحولات سیاسی در جوامع پیرامونی، به‌ویژه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و اشغال دو کشور عراق و افغانستان و تهدیدات مکرر دولت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، موجب طرح دغدغه‌ها و نگرانی‌های فزاینده‌ای از سوی مدیران ارشد و تحلیلگران مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در خصوص مسائل قومی، یکپارچگی سرزمینی و اتحاد ملی در ایران شده است» (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

از طرف دیگر در سال‌های اخیر با تسریع و تسهیل ارتباطات (جعفرزاده‌پور، ۱۳۸۹: ۴) زمینه برای ایجاد و تقویت ارتباطات قومی ایجاد شده است. این مسئله با فرایند جهانی شدن که باعث تضعیف و کمرنگ شدن نقش هویت‌ساز دولت شده، وضعیت بغرنجی را ایجاد کرده است. جهانی شدن با نفوذپذیر ساختن مرزها و فضا محوری امر اجتماعی به جای مکانمندی آن، نقش دولت را در امر هویت‌سازی به چالش طلبیده، بسترهای مناسبی برای ظهور بحران هویت و معنا فراهم آورده و در عین حرکت به سوی هم‌شکلی، انواع هویت‌های قومی را به‌عنوان مقاومت در برابر گسترش جهانی شدن تقویت کرده است. در کشور چندقومی ایران، مسئله تأثیر و چگونگی رابطه بین هویت قومی و ملی از موضوعات مهم و مورد توجه محققان و نیز سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. در همین راستا پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی، مقالات و کتاب‌های زیادی در این زمینه به رشته تحریر درآمده، به طوری که در چند دهه اخیر موضوع هویت ملی و هویت قومی و بررسی مسائل مرتبط با هویت و ابعاد آن، به یکی از موضوعات اصلی و محوری علوم اجتماعی و انسانی در کشور تبدیل شده و ادبیات قابل توجهی در این زمینه در سطح ملی تولید شده است.

اگرچه تمامی آنها همسو نبوده و شرایط متفاوتی را در ارتباط بین هویت ملی و قومی احصا کرده‌اند.

حاجیانی با تأکید بر این مسئله چنین آورده است: «به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین جهات و ابعاد این مسئله در ایران امروز احساس تضاد و تعارض بین هویت ملی و قومی در میان اقوام ایرانی باشد. در واقع ذات و خمیرمایه وحدت ملی را باید در هویت نسبتاً یکسان، همگرایی و همنوایی هویت‌های متعدد دانست» (همان: ۱۴۵). مطالعات قابل توجه انجام شده در حوزه هویت ملی و هویت قومی، از رویکردهای مختلف، موضوع قومیت و هویت ملی را مورد کنکاش و بررسی قرار داده‌اند. برخی صرفاً وضعیت هویت قومی در یک قوم خاص را مورد مذاقه قرار داده‌اند و گروهی به رابطه هویت قومی در دو یا چند قوم اهتمام ورزیده‌اند. دسته دیگر از مطالعات به بررسی رابطه بین هویت قومی و هویت ملی پرداخته و کوشیده است تصویری از رابطه این دو ارائه کند. بررسی اجمالی نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که در ارتباط با رابطه هویت قومی و هویت ملی نتایج مختلف و گاه متناقضی از این پژوهش‌ها به دست آمده است. همچنین این مطالعات بر مبنای هدف و روش انتخاب شده پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده‌اند.

وجود هویت‌های مختلف قومی در کشور از یک سو و اهمیت هویت ملی و نقش آن در تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور، ضرورت توجه به مسئله را دو چندان می‌کند. مقاله حاضر تلاش دارد مطالعاتی که رابطه دو هویت قومی و هویت ملی را سنجیده، با استفاده از روش فرا تحلیل مورد بررسی قرار دهد. با توجه به انباشت قابل توجه تحقیقات انجام شده در این حوزه، بازبینی و بررسی هدفمند این پژوهش‌ها می‌تواند ما را در دستیابی به تصویری شفاف از وضعیت در این حوزه ارائه عوامل تأثیرگذار بر نتایج مطالعات انجام شده، یاریگر باشد. در واقع هدف اصلی نوشتار حاضر، تبیین رابطه هویت ملی و هویت قومی در کشور است. این مقاله همچنین تلاش خواهد کرد راهکارهای عملی برای همگرایی هر چه بیشتر هویت ملی و هویت قومی ارائه کند.

۱. هویت

واژه «هویت» در لغت به معنای هستی، وجود، ماهیت و سرشت است. ریشه لغوی آن از

1. Identity

واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز خود از دیگری می شود (معین، ۱۳۷۷). هویت در اصطلاح به معنای تلاش آگاهانه، مستمر و دائمی کنشگران برای پاسخگویی به پرسش چیستی، کیستی و نحوه شناسایی و معرفی خود در برابر دیگری است که در دو سطح خرد و کلان مطرح است. در واقع می توان گفت: آنچه به ویژگی های شخصیتی یک فرد انسانی بازمی گردد، با عنوان هویت فردی و آنچه به ویژگی هایی اجتماعی یک فرد انسانی بازمی گردد، با عنوان هویت جمعی بازشناسی می شود. بر خلاف هویت فردی، هویت های جمعی «غیر شخصی» بوده و از طریق اجتماع بر ساخته می شوند (منصورنژاد، ۱۳۸۳: ۳۶۲). هویت می تواند بر اساس تأکید بر ابعاد تمایز یا همانندی به ترتیب فردی یا جمعی باشد، اما در هر صورت اجتماعی است. به عبارت دیگر، هویت هر چند به وسیله فرد ابراز می شود و به تعریف و شناسایی فرد از خود یا انتسابش به گروه ها مربوط است، اما اساساً مقوله ای اجتماعی است، چرا که افراد هویت خود را در روند اجتماعی شدن و یا در تماس با دیگران کسب می کنند.

با توجه به تعریف فوق، هویت ملی و نیز هویت قومی یکی از انواع هویت های جمعی هستند. بنابراین یکی از مهم ترین منابع برای تعریف خود اجتماعی و مشتمل بر ویژگی های فرهنگ جمعی اعضا یک گروه یا جامعه و نیز روابط و مناسباتی است که فرد را احاطه کرده است. از لحاظ فرهنگی، کنشگران به وسیله فرهنگ جمعی یا مشترک اعضای یک جامعه خود را در یک مقوله طبقه بندی می کنند و بدان وسیله اشتراکاتشان را با سایر اعضای گروه (درون گروه) و تفاوت هایشان با دیگران و گروه های دیگر (برون گروه) معین ساخته و مرزبندی می کنند.

۱-۱. هویت ملی و هویت قومی

هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی است که رابطه انسان با کشورش را نشان می دهد. هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش هایی از خود است؛ اینکه چه کسی بوده و چه هست، خاستگاه اصلی و دائمی اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروز چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی دارد و بالاخره ارزش های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در

1. Social ego

تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد نظر، کارساز خواهد بود. در تعریفی دیگر هویت ملی به معنای احساس وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). بر اساس این تعریف، میزان تعلق و وفاداری افراد درون یک اجتماع ملی به هر یک از عناصر و نمادهای ملی؛ سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و دولت، شدت احساس هویت ملی افراد آن اجتماع ملی را مشخص می‌سازد (همان: ۱۸).

برخی اندیشمندان هویت ملی را به معنای عبور از هویت‌های سنتی همچون مذهب، قوم، قبیله به هویت‌های فراگیرتر می‌دانند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۲). بر این اساس هویت ملی، هویتی است که افراد به جای این که خود را بر اساس تعلقات قومی - قبیله‌ای شناسایی کنند، بر مبنای تعلق به ملتی خاص با جغرافیا و نظام حکومتی معین شناسایی می‌کنند. هویت ملی باید چنان فراگیر باشد که تعارضی بین هویت اولیه (فردی - قومی) و هویت فراگیر (ملی) ایجاد نکند. طبق این تعریف، ویژگی‌های هویت ملی را می‌توان به داشتن ملتی خاص، جغرافیای سرزمینی و نظام حکومتی معین خلاصه کرد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعاریف متعددی از مفهوم هویت ملی ارائه شده است. برخی به ابعاد فرهنگی و روان‌شناختی تأکید کرده و بعضی بر ابعاد جغرافیایی، تاریخ، زبان و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه‌ای که عضو آن است می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان هویت ملی را بر پایه اصول و بنیادهای مشترک دیرپای مردم یک سرزمین که بر گرد آن وحدت پیدا می‌کنند تعریف کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳) که این بنیان‌ها اساس همبستگی ملی و توسعه اقتصادی و سیاسی در جوامع امروز هستند.

هویت قومی نیز بخشی از هویت اجتماعی افراد است که در ارتباط با هویت‌های محله‌ای، منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و جز آن قرار می‌گیرد. با این حال هویت قومی عنصر بارزی در میان هویت‌هاست؛ چنانکه هر یک از انسان‌ها خود را به قوم و تباری (خیالی یا واقعی) وابسته می‌دانند. ضرورت این انتساب تا حدی است که اسمیت معتقد است: اگر ملت‌ها خود را به یک ریشه قومی واقعی یا خیالی وصل نکنند، فرومی‌پاشند (گودرزی، ۱۳۸۴: ۳۲).

هویت قومی از ترکیب متنوع مؤلفه‌های قومیت به وجود می‌آید و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مؤلفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می‌شود. بنابراین در بین اقوام

مختلف مؤلفه‌های قومیت متفاوت بوده و در هر گروه قومی، هر یک از مؤلفه‌ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند (احمدلو، ۱۳۸۱).

در تعریف هویت قومی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و هر متفکر و اندیشمندی با برجسته کردن یکی از ویژگی‌های هویتی، به تعریف آن مبادرت کرده است. آنچه از بررسی این تفاوت‌ها به دست می‌آید، این است که مسئله محوری در تعریف هویت قومی را مؤلفه‌ها و عناصر هویت قومی تشکیل می‌دهد. بنابراین «هویت قومی را بر بنیاد شناسه‌های فرهنگی، نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹). البته خود این مؤلفه‌ها و عناصر نیز متنوع بوده و نقش آنها در هویت‌دهی به اقوام متفاوت است. در علوم اجتماعی معاصر عموماً یک گروه قومیتی به صورت بیان مجموعه‌ای از تنوع‌ها و ویژگی‌های برآمده از دین، فرقه، کاست، منطقه، زبان، تبار، نژاد، فرهنگ و... تعریف می‌شود که گاه یک قومیت به تنهایی فقط یکی از این عناصر را در بر گرفته و با آن منطبق است و گاهی نیز شامل ترکیبی از آنها است.

۲. چارچوب مفهومی

با توجه به ویژگی‌های هویت قومی و هویت ملی، در بررسی حاضر از نظریات کنش متقابل نمادین، مکتب کهن‌گرایی، تئوری نوسازی و تئوری استعمار داخلی به عنوان چارچوب مفهومی استفاده شده است.

۲-۱. دیدگاه کنش متقابل نمادین

این دیدگاه تلاش دارد بنیادهای نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه کند. از این رو سنت جامعه‌شناختی نظریه «هویت» بیش از همه به تعامل‌گرایی نمادین پیوند خورده است. قضیه بنیادین در تعامل‌گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیا، رفتارهای خودشان و دیگران اطلاق می‌کنند و این معانی را طی تعامل‌هایشان با هم منتقل کرده و بسط می‌دهند. پس معانی و در نتیجه هویت‌ها طی تعامل شکل گرفته و بسط می‌یابند. ویژگی مشترک در دیدگاه کنش متقابل نمادین، اهمیتی است که بر این محیط اجتماعی در شکل‌گیری خود قائل هستند، اما رویکردهای تعامل‌گرا به هویت، در تأکیدشان بر ساخت اجتماعی و هویت از سویی و روندها و تعاملاتی که طی آنها هویت‌ها

ساخته می‌شوند از سوی دیگر تفاوت می‌کنند (اکبرزاده، ۱۳۷۶: ۲۳).

از دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین، هویت معادل خود است و هویت اجتماعی که مبتنی بر اشتراکات افراد گروه یا جامعه است، ناظر بر من مفعولی. من مفعولی تحت تأثیر ارزش‌ها، ساخت‌ها، قواعد و نظام‌های اجتماعی بوده و ماهیتی متغیر، متحول و ترکیبی دارد. خود، همچنین تحت تأثیر قدرت و فرهنگ است. تعامل بین هویت (عاملیت) و ساختار اجتماعی در نظریهٔ مید، گافمن و حتی فروید از طریق تصویرسازی از خود، تعاملات روزمره و ناخودآگاه شکل می‌یابد. بر این اساس و به دلیل اتخاذ این رویکرد و پذیرش تأثیرپذیری هویت (خود) از ساخت‌های اجتماعی، مید و سایر نظریه‌پردازان بر ترکیبی بودن، تنوع و وجود خودهای متکثر توجه داشتند (کوزر، ۱۳۷۸؛ ۴۹۹؛ صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷: ۳۸).

چند بعدی بودن هویت ایرانی و تعامل در اجزای آن، بر اساس نظریهٔ کنش متقابل نمادین قابل تفسیر است: «بر مبنای نظریهٔ کنش متقابل نمادین، وجود تنوع در هویت و چندضلعی بودن آن، قابل توجیه و تبیین است. در واقع این نظریه تمهیدات لازم را برای پذیرش واقعیت هویت ترکیبی فراهم می‌سازد، چراکه بر این نکته تأکید دارد که خود، ماهیتی باز دارد و افراد بر اساس مواضع و پایگاه‌های اجتماعی متنوع خود و نیز فرایندهای جامعه‌پذیری، می‌توانند وجوه متعددی از شاکلهٔ هویتی خود ایجاد کنند و میان آنها سازگاری به وجود آورند. بر اساس این نظریه، کنشگران می‌توانند بین ابعاد مختلف هویتی خود تعادل برقرار کنند.

بر این نکته نیز باید تأکید کرد که هویت جمعی تحت تأثیر ساخت قدرت و نظام فرهنگی (به ویژه رسانه) شکل می‌گیرد؛ بنابراین هویت جمعی، ماهیتی ترکیبی دارد و نوع ترکیب آن در جامعهٔ ایران به شکل چندبعدی نزدیک است. همچنین باید اضافه کرد که میان این ابعاد، هماهنگی، تعامل و تعادل وجود دارد، هر چند این فرض مانع از آن نیست که افراد در هر موقعیت خاص و در جریان عمل جاری خود؛ هویتی معین را به‌طور مقطعی فراخوانند» (همان: ۳۹).

۲-۲. مکتب کهن گرایی

این مکتب تأکید می‌کند که قومیت و ناسیونالیسم پدیده‌ای دیرین و کهن است. از مفهوم

کهن‌گرایی، بیشتر برای توصیف ریشه‌ها و استحکام وابستگی‌های قومی استفاده شده است. کهن‌گرایان دو ادعای اساسی دارند: نخست اینکه ملت‌ها و ناسیونالیسم پدیده‌های کهن هستند و دوم اینکه طبیعی و بنابراین جهانشمولند. کسانی که برجسته‌های کهن قومیت تأکید می‌ورزند، به وجود نوعی ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی - عاطفی میان مردمی که اجداد مشترک و گاه سرنوشت مشترک برای خود تصور می‌کنند اعتقاد دارند، هویت قومی در اینجا عنصر اساسی و محوری تحول شخصیت تلقی می‌شود که ارتباط نزدیکی با تصور «خود» مراحل اولیه جامعه‌پذیری، آموزش زبان با اعتقادات مذهبی و سیاسی دارد (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

کلیفورد گیدنز روابط کهن را در مفهومی فراتر از روابط خویشاوندی به کار برد و آن را با گروه‌های بسیار بزرگ مانند گروه‌های متکی به سرزمین، زبان، مذهب یا سایر سنت‌های مشترک ارتباط داد. از نظر او، در بسیاری از ملت‌های در حال تکوین، تنها معمار تشخیص واحدهای سیاسی خون، زبان، نژاد و تعلق به یک مکان، همه اجزای وابستگی‌های کهن هستند که از آنها در صورت لزوم برای تعریف گروه‌های سیاسی نیز استفاده می‌شود تا در سطح سیاست‌های ملی مطرح شوند. این گروه‌ها برای به دست گرفتن دولت با یکدیگر رقابت می‌کنند.

۲-۳. تئوری نوسازی

کارل دویچ بر این باور است که فرایند حذف هویت قومی در دو سطح اتفاق می‌افتد: سطح کلان و سطح خرد. در سطح کلان فرایند نوسازی به همانندسازی پیشرفته فرهنگ مسلط بر جمعیت پیرامون می‌انجامد، همچنانکه شبکه‌ای از تعاملات پهناور می‌شود و افراد پیرامون و اقلیت‌های فرهنگی و قومی روابط بیشتری با خارج از محل اقامت خود تجربه می‌کنند، این جریان همانندسازی از درون مجموعه دولت - ملت می‌انجامد (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). در سطح خرد (فردی) دویچ چنین متذکر می‌شود: «نرخ نوگرایی بستگی به میزان پذیرا بودن شخص و همبستگی وی با جلوه‌های فوق دارد. به کلامی دیگر، به اعتقاد دویچ، به میزانی که ظرفیت فرد نسبت به پذیرش تجربه‌های جدید افزایش می‌یابد، به همان نسبت میزان نوگرایی وی نیز بیشتر خواهد شد (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۴).

۲-۴. تئوری استعمار داخلی

«هشتر» مطرح کننده تئوری استعمار داخلی است. وی در کتاب خود با عنوان «استعمار داخلی» این تئوری را مطرح می‌سازد. او معتقد است: افزایش تعاملات اجتماعی میان گروه‌های قومی نیز در روند نوسازی و توسعه ضرورتاً به ایجاد اتحاد ملی و محو همبستگی‌های قومی قطعه، قطعه نمی‌انجامد، بلکه برعکس می‌تواند به تعارضات قومی منجر گردد (رمضان‌زاده و بهمنی، ۱۳۸۷: ۲۳۲). مسئله مورد تأکید در این تئوری، تعارضات قومی و جذب و ادغام اقوام است. مفروضات اصلی این تئوری چنین است که موج نامتوازن مدرن‌سازی در کشورها دو گروه را به وجود می‌آورد: گروه پیشرفته و گروه کمتر پیشرفته. در نتیجه این مزیت اتفاقی آغازین، منابع و قدرت بین دو گروه به شکلی نامساوی توزیع می‌شود که حاصل آن شکل‌گیری اقتصاد مرکز و پیرامون است. گروه پیشرفته، تخصیص نقش‌های اجتماعی را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که نقش‌های پر اعتبارتر به اعضای آن تعلق می‌گیرند. برعکس، اعضای گروه کمتر پیشرفته از دسترسی به این نقش‌ها محروم می‌شود. هشتر این سیستم قشربندی را «تقسیم کار فرهنگی» می‌نامد. از طرف دیگر، این روند ممکن است عملاً از طریق سیاست‌های تبعیض آمیز - نظیر ایجاد دسترسی متفاوت به نهادهای اهداکننده نظیر نهادهای آموزشی، مذهبی یا نظامی نیز اجرا شود. تقسیم کار فرهنگی باعث می‌شود که افراد خود را با گروهشان بازشناسند و موجب رشد هویت قومی متمایز می‌گردد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

۳. روش‌شناسی

امروزه در حوزه‌های مختلف علمی، با حجم وسیع و متنوعی از تولیدات علمی و آکادمیک به زبان فارسی در کتابخانه‌ها و مخازن پایان‌نامه و مجلات علمی - پژوهشی ایرانی مواجه هستیم. فراتحلیل «امکان تلخیص، ادغام، ترکیب (سنتز) و تفسیر داده‌ها، شواهد و نتایج پژوهش‌های کمی و کیفی و حتی بسط و گسترش نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی را در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی از جمله علوم اجتماعی و رفتاری فراهم می‌کند» (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۹). یکی از حوزه‌هایی که در کشور مطالعات قابل ملاحظه‌ای در آن حوزه انجام شده، حوزه مطالعات هویت ملی و قومی است. این پژوهش در صدد است، با توجه به اهمیت رابطه هویت قومی و ملی با یکدیگر،

پژوهش‌های موجود را در این حوزه با استفاده از روش فراتحلیل مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، مجموعه پژوهش‌های انجام شده در قالب مقاله و پایان‌نامه که رابطه بین هویت قومی و هویت ملی را بررسی کرده‌اند در نظر گرفته شده‌اند (شامل ۲۷ اثر پژوهشی).

شیوه نمونه‌گیری در این بررسی به شیوه کل شماری است و سعی شده منابع موجود در قالب پایان‌نامه و مقاله، در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی مورد مطالعه قرار گیرد. البته باید خاطر نشان کرد که گاه مقالاتی از پایان‌نامه استخراج و به صورت مقاله منتشر شده بود. بنابراین در چنین مواقعی در مرحله اول بر تحلیل و انتخاب پایان‌نامه تأکید شد، ولی چنانچه به هر دلیلی دستیابی به پایان‌نامه میسر و امکان‌پذیر نبود، مقاله استخراج شده از آن مورد استناد قرار گرفت.



۴. پژوهش‌های بررسی شده

جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۱	مطالعه و بررسی مؤلفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی (بلوچستان)	پایان نامه، ۱۳۷۳	داود میرمحمدی	بلوچ	پیمایش	استان سیستان و بلوچستان	در میان رؤسای خانواده‌های بلوچ ساکن شهرستان زاهدان، آن دسته از افرادی که دارای خواستگاه روستایی بوده و در مناطق روستایی و ایلی زندگی می‌کنند در مقایسه با افراد شهرنشین تمایلات قومی بیشتری دارند (همبستگی در حد ضعیف) - میان این دو متغیر (وضعیت سواد و سطح تحصیلات) با متغیر شدت قومیت‌گرایی بلوچ‌ها ارتباط شدیدی وجود دارد - افرادی که دارای مشاغل بالا و متوسط و همچنین کسانی که شاغل در رشته‌های شغلی دولتی و فروشنده‌اند در مقایسه با افراد صاحب مشاغل پایین و شاغل در رشته‌های شغلی خدمات، حمل و نقل و دامداری و کشاورزی تمایلات قومی ضعیف‌تری از خود نشان داده‌اند.	واگرا و متأثر از متغیرهای محل سکونت و نوع شغل
۲	یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی	مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷	کاووس سید امامی	-	اسنادی	-	حفظ آداب و رسوم سنت‌ها و زبان اختصاصی هر قوم حق طبیعی آن محسوب می‌شود. در جهانی که اصل تنوع در همه شئون آن پذیرفته است، همه اقوام حق حیات و ادامه راه و روش‌های فرهنگی خود دارند. کشورهایی که چند گروه قومی را در خود جا داده‌اند با اتخاذ سیاست‌های قومی مناسب و به‌خصوص با احترام نهادن به اصل تنوع فرهنگ‌های قومی در درون مرزهای مشترک و استفاده از گفت و شنود به جای زور و اجبار می‌توانند یکپارچگی و تمامیت ارضی خود را حفظ کنند.	اظهاری نشده
۳	روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران (تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی)	فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۰	علی یوسفی	بلوچ، ترک، فارس، کرد و لر	تحلیل ثانویه	مطالعات انجام شده در حوزه قومی	با افزایش همکاری‌های بین قومی که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد. هویت ملی در هر سه بعد مذکور (تعلق خاطر مشترک به نمادهای ملی مثل: پرچم، سرزمین، سرود و زبان ملی، وفاداری مشترک به وطن، دین، مردم و دولت ملی و میراث مشترک فرهنگی و تاریخی) و در کل در بین اقوام پنج‌گانه کشور بالاست. امتیاز هویت ملی اقوام بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ در بین همه اقوام بالاتر از ۸۰ است که حاکی از وفاداری زیاد اقوام به اجتماع ملی است.	مستقیم و همگرا

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۴	رفتار سیاسی قوم ترکمن	پایان نامه، ۱۳۸۰	حسن پیردشتی	ترکمن	اسنادی	قوم ترکمن	افزایش همگرایی در زمان حمله یک نیروی خارجی و جنگ قبیله‌ای در مواقع ثبات؛ رفتار واگرایانه ترکمن‌ها در مرحله گذر تاریخی شکل می‌گرفت که تحت این شرایط احساس وطنی و همگرایی ملی تضعیف شده است. در این بین نقش شخصیت‌های علمی مذهبی قوم ترکمن و همچنین نیروهای کشتی بیرونی بر رفتار واگرایی نقش مهمی داشته‌اند.	همگرا در زمان وجود دشمن بیرونی - واگرا در شرایط عادی
۵	بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مطالعه موردی: قوم بلوچ)	پایان نامه، ۱۳۸۱	ماد کاویانی راد	بلوچ	اسنادی	-	همبستگی ملی متأثر از نوع رویکرد حکومت مرکزی در برخی مناطق ایران که منطبق بر اقوام غیر فارس و غیر شیعه مذهب هستند، در دوره‌های خاص تاریخی انسجام سرزمینی کشور را به چالش گرفته است. قوم بلوچ، در جنوب خاوری کشور در استان پهناور سیستان و بلوچستان ساکن است.	اظهار نشده
۶	شکل‌گیری دولت مدرن و تأثیر آن بر قوم‌گرایی در ایران	پایان نامه، ۱۳۸۱	نصیری فرد	کلیه اقوام	اسنادی	-	سیاست‌های همانندسازی، تأکید بر ویژگی‌های قومی یک قوم خاص برای تقویت هویت ملی، عوامل خارجی و نابرابری‌های اقتصادی بر تشدید قوم‌گرایی و تضعیف هویت ملی در بین اقوام ایرانی تأثیر داشته است.	رابطه معکوس
۷	بررسی رابطه میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان شهر تبریز	پایان نامه، ۱۳۸۱	حبیب احمدلو	ترک	پیمایش	جوانان شهر تبریز	افراد دارای هویت‌های گوناگونی هستند و این هویت‌ها لزوماً مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند - هویت قومی و ملی دو نوع هویت جمعی هستند که افراد طی اجتماعی شدن آنها را درونی کرده و جزئی از شخصیت خود می‌سازند و از آنها در محیط‌های مقتضی استفاده می‌کنند. بنابراین افراد تناقضی بین این دو نوع هویت درک نمی‌کنند.	رابطه مستقیم و همگرا
۸	زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران	فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۷۲	محمدرضا کفایش چشمید	ترک	اسنادی	-	تداوم سرزمینی که از یک سابقه چندین هزار ساله برخوردار است، به‌صورت روشن در حافظه تاریخی مردم آذربایجان نقش بسته و در ایجاد حس ایرانی در آنها، به‌عنوان یک عامل نیرومند تلقی می‌شود. تعلق خاطر عمیق آذربایجانی‌ها به مذهب تشیع در پایداری و وفاداری واقعی آنها به کشور، تأثیری قاطع و انکارناپذیر داشته است. صرف نظر از تبعات منفی مهاجرت بی‌رویه از آذربایجان، باید اذعان داشت که این مهاجرت‌های گسترده و دگرگونی‌های جمعیتی حاصل از آن، در ادغام آذربایجان در ترکیب کلی کشور مؤثر واقع شده و در تقویت یکپارچگی ملی نقش مهم و مؤثری داشته است.	همگرا / تقویت‌کننده

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۹	بررسی صورت‌بندی الگوهای هویتی (محلی، ملیو جهانی) در میان دانشجویان دانشگاه تهران (مطالعه موردی: دانشجویان آذری و کرد انسانی و فنی)	پایان‌نامه، ۱۳۸۴	روح‌الله نصرتی	آذری و کرد	پیمایش	دانشجویان آذری و کرد دانشکده‌های علوم انسانی و فنی	در مؤلفه سبک زندگی که شامل تغذیه پوشاک موسیقی تزیین منزل مدیریت بدن می‌باشد تقابل و تضادی بین سه الگو در بین هیچکدام از دانشجویان گروه‌های قومی نیست. اما در مؤلفه‌های زمینه‌ای هویت مثل مشارکت رسانه تاریخ زبان زمینه‌های تقابل دیده می‌شود که در این مورد تفاوت بارزی بین دانشجویان کرد زبان و ترک آذری زبان وجود دارد. مهم‌ترین تقابل در این زمینه میان الگوهای هویتی محلی و ملی است و تأکید بر هویت محلی به مثابه مقاومت در مقابل الگوی هویتی ملی است. به‌طور کلی باید اذعان کرد که هویت دانشجویان کرد زبان به شدت آغشته به مباحث سیاسی است و سیاست‌زدگی هویتی را در تمام عرصه‌های هویتی مثل از عرصه‌های نمادین و فرهنگی گرفته تا عرصه‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانیم ببینیم.	تفاوت با توجه به قومیت در بین کردها رابطه معکوس در بین ترک‌ها رابطه مستقیم
۱۰	بررسی هویت ملی و هویت قومی جوانان کرد (مطالعه موردی: جوانان کرد مهاباد)	پایان‌نامه، ۱۳۸۴	سارا توشاد	کرد	پیمایش	جوانان کرد مهاباد	نتایج تحقیق قبل از هر چیز نشان‌دهنده این نکته اساسی هستند که در بررسی جوامع کردنشین شمال غرب ایران حضور اقوام ترک زبان باید به‌طور جدی در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین نقطه این تقابل زبان کردی در برابر زبان فارسی است. و سپس مواردی چون تاریخ و سرزمین و حتی فرهنگ نامگذاری کردی اهمیت می‌یابد.	تعارض در مؤلفه‌های زبانی
۱۱	بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان پیرانشهر	پایان‌نامه، ۱۳۸۴	مجتوب آموسی	کرد	مصاحبه عمیق	جوانان کرد پیرانشهر	عدم تفاوت در مؤلفه‌های فرهنگی هویت قومی و ملی، تعارض شدید در مؤلفه‌های سیاسی انتقاد از حکومت	تعارض در مؤلفه‌های سیاسی - همگرایی در مؤلفه‌های فرهنگی
۱۲	نقش نیروهای مرکزگرا و مرکزگرایز در همبستگی ملی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)	پایان‌نامه، ۱۳۸۵	علی موبست امیری	کرد	پیمایش	استان کرمانشاه	مهم‌ترین چالش فراروی همبستگی ملی در استان کرمانشاه ترکیب قومی - مذهبی نیروهای مرکزگرایز در چهار شهرستان سنن‌نشین استان است و در بقیه نقاط پیوند مذهبی با هسته مرکزی کشور به میزان بسیار زیادی از نقش مرکزگرایز نیروهای قومی، که مهم‌ترین نیروی مرکزگرایز می‌باشد، کاسته است.	تعارض به دلیل وجود نیروهای قومی - مذهبی مرکزگرایز

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۱۳	عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان آذربایجانی نسبت به هویت ملی در دانشگاه تهران و تبریز	پایان نامه، ۱۳۸۵	ولی زاده	ترک	پیمایش	دانشجویان ترک در دو دانشگاه تهران و تبریز	یافته‌های تحقیق با اثبات مباحث تنوریک نشان دادند که مدرنیزاسیون ایرانی توسعه نامتوازن و همانندسازی قومی موجب افزایش احساس تبعیض و محرومیت و پنداشت بد از رفتار فارسی زبان‌ها شده و این امر خود موجب کاهش میزان رضایت از کشور می‌گردد. با کاهش میزان رضایت از کشور هویت قومی افزایش یافته و به همان نسبت از گرایش دانشجویان نسبت به هویت ملی کاسته می‌شود.	واگرایی هویت قومی و ملی احساس محرومیت و تبعیض
۱۴	رابطه قوم‌مداری زبانی و جمع‌گرایی با کاربرد زبان فارسی در محیط‌های آموزشی یک منطقه ترک زبان	نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۵	پهلوان علایی	ترک	اسنادی	-	جامعه دانش‌آموزان منطقه، اساساً جامعه‌ای جمع‌گراست و این خصوصیت یکی از موانع کاربرد زبان فارسی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، علاقه به قومیت و زبان مادری یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان منطقه است. اما این ویژگی بر خلاف تصور، رابط مثبتی با میزان کاربرد زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم دارد.	همگرا
۱۵	مقایسه وضعیت هویت‌یابی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در گروه‌های قومی استان خوزستان	مطالعات ملی، ۱۳۸۵	رضی امیدیان	عرب، بختیاری و غیرعرب	پیمایش	دانش‌آموزان استان خوزستان	نتایج در رابطه با مقایسه نمره‌های هویت نشان داد که تفاوت آزمودنی‌ها در هویت کسب شده معنادار نیست ولی آزمودنی‌های عرب در حالت‌های هویت سردرگم و زود هنگام، از بختیاری‌ها و گروه غیرعرب و غیربختیاری بیشتر بودند. در حالت هویت مهلت‌خواه دانش‌آموزان عرب زبان و بختیاری‌ها از گروه سوم نمره بیشتری کسب کردند. در بعد اعتقادی، گروه عرب زبان در هویت زود هنگام بر دو گروه دیگر برتری داشتند. در حالت مهلت‌خواه، در بعد اعتقادی گروه عرب فقط بر گروه غیرعرب و غیربختیاری برتری داشت و با گروه بختیاری تفاوت معناداری نداشت. در بعد روابط بین‌فردی نتایج مشابهی به دست آمد. در حوزه هویت ملی دانش‌آموزان بختیاری از نظر هویت زود هنگام و مهلت‌خواه بر گروه سوم برتری داشتند.	اظهار نشده

۷۷ فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۱۶	بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز	پایان نامه، ۱۳۸۶	سید مجتبی تقوی	عرب	پیمایش	اعراب شهرستان اهواز	نتایج تحلیل دو متغیره داده‌ها نشان داد که بین متغیرهای سن، شغل، درآمد، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، منطقه مسکونی (مختلط یا غیر مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پابندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از نظام جمهوری اسلامی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی با هویت قومی رابطه مثبت داشتند.	واگرا به دلیل احساس محرومیت در ابعاد اقتصادی و سیاسی
۱۷	تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی (مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان)	ایران، ۱۳۸۶ فصلنامه جامعه‌شناسی	عبدالله نوح و تقوی	عرب	پیمایش	ارباب استان خوزستان	با افزایش احساس محرومیت نسبی، هویت قومی در میان مردم عرب این استان تشدید شده و در پی آن برخی جنبه‌های هویت ملی آنان کاهش می‌یابد. بنابراین، بین هویت قومی و هویت ملی اعراب استان خوزستان رابطه معکوسی وجود دارد. شایان ذکر است که در این تحقیق هویت قومی با توجه به ابعاد سه گانه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن مورد سنجش قرار گرفته است.	رابطه معکوس به دلیل افزایش احساس محرومیت
۱۸	همگرایی و واگرایی از هویت ملی در نشریات دانشجویی	پایان نامه، ۱۳۸۶	گنج خالو، مصدق	کرد و ترک	تحلیل محتوا	نشریات دانشجویی کرد و ترک زبان	نتایج تحلیل محتوای نشریات آذری نشان داد که سمت‌گیری این نشریات بیشتر در جهت راهبردهای تلفیقی و تخریبی است و نشریات دانشجویان کرد سمت‌گیری در جهت راهبردهای توازی و تلفیق بوده است.	اظهار نشده
۱۹	جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی	مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۶	سعید سعیدفر و شهلی بر	بلوچ	ترکیبی (مصاحبه عمقی - بررسی اسنادی)	۳۶ نفر از مصرف‌کنندگان متون دیداری، شنیداری قومی بلوچ	جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، فضای جدیدی را برای بلوچ‌های ایران از حیث مصرف رسانه‌ای به وجود آورده است که از سه مشخصه عمده برخوردار است: ۱. مصرف متون قومی، ۲. مصرف انیمیشن‌های جذاب امریکایی دوبله شده به زبان قومی و ۳. مصرف گسترده فیلم‌های عامه پسند هندی. پدیده‌های فوق، نوعی سیاست فرهنگی محلی را تشکیل می‌دهند که از یک جهت، برخی از مولفه‌های سنتی هویت بلوچی را به شدت دچار چالش نموده و زمینه‌ساز نهادینه کردن مؤلفه‌های جدیدی در این هویت شده است. از جهتی دیگر، با برجسته ساختن هویت قومی سنتی، تضعیف مؤلفه‌های هویت اسلامی و شیوع عناصر فرهنگی شبه قاره هند، هویت ملی ایرانی را بحران زده کرده است.	رابطه معکوس ولی ضعیف در بعد فرهنگی و شیوع عناصر فرهنگی جهانی

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۲۰	نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی	مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۷	ابراهیم حاجیانی	همه اقوام	پیمایش	۸۴۰ نفر افراد بالای ۱۸ سال در ۹ شهر بزرگ کشور از ۶ گروه قومی	هویت ملی و قومی در میان اقوام ایرانی برجسته و قوی هستند و تفاوت معنی داری از لحاظ میانگین گرایش اقوام به این دو بعد هویت وجود ندارد (به جز عرب‌ها و ترکمن‌ها). روابط میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی و ابعاد فرهنگی و اجتماعی ملیت، قوی و مثبت و معنادار است، اما میان ابعاد سیاسی ملیت رابطه معکوس و قوی دارند.	رابطه مثبت و همگرا بین بعد فرهنگی اجتماعی دو هویت و رابطه معکوس و قوی بین ابعاد سیاسی دو هویت
۲۱	رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی	مطالعات ملی، ۱۳۸۷	مقدس و جلیبری	لر	پیمایش	۳۶۸ سرپرست خانوار لر شهر نورآباد ممسنی	همه متغیرهای فوق بجز اعتماد اجتماعی، همبستگی مثبت و معناداری با هویت ملی دارند. همبستگی متغیرهای صراحت و رابطه باز با هویت طایفه ای، منفی و معنادار بود. انگیزه عقلانی، همبستگی معناداری با هویت طایفه‌ای نداشت. همچنین، همبستگی متغیر اعتماد اجتماعی با هویت ملی و طایفه‌ای معنادار نبود. بالاخره اینکه، همبستگی هویت ملی و طایفه‌ای منفی بود. همه متغیرها با همدیگر توانستند ۵۸ درصد از واریانس تمایلات ملی گرایانه افراد مورد بررسی را تبیین کنند.	رابطه معکوس و واگرا
۲۲	بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی	فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۸۷	نبوی، حسین زاده، حسینی	کلیه اقوام	پیمایش	۶۰۰ نفر افراد ۱۶ سال و بالاتر در شهرستان اهواز	از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش دهنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثر کاهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی‌قدرتی، به‌صورت مستقیم بر هویت قومی و به‌صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثر گذارند.	رابطه معکوس به‌دلیل احساس محرومیت نسبی، احساس امنیت اجتماعی و احساس بی‌قدرتی

ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۲۳	رویکردی نظری به رابطه دولت سرزمینی مدرن و قوم‌گرایی در ایران	پایان نامه، ۱۳۸۷	احمدی طامه	همه اقوام	اسنادی	--	سیاست اصلی در ارتباط با قومیت‌ها در دوره پهلوی آسیمیلیاسیون و یکسان‌سازی بود ولی در دوره نوع نگاه و رویکرد به مسائل قومی و یکپارچگی ملی، دچار تغییر و تحول اساسی شده است و دولت جمهوری اسلامی به عکس دولت پهلوی، با به رسمیت شناختن تنوع قومی موجود در جامعه ایران، مبنای یکپارچگی ملی و ملت‌سازی را بر اسلام و مشارکت همه گروه‌های قومی در جامعه ملی قرار داده است، تا در سایه آن، فرایند ملت‌سازی و یکپارچگی ملی به‌طور کامل تحقق پیدا کند. این دیدگاه در قانون اساسی و سیاست‌های قومی نیز حاکم است و دولت جمهوری اسلامی با پذیرش تنوع و تکثر فرهنگی و قومی و زمینه‌سازی برای حفظ و نه استحاله آن، در عین حفظ یکپارچگی ملی، سبب تعدیل قومیت‌گرایی شدید در ایران شده است.	اظهاری نشده
۲۴	گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان	مطالعات ملی، ۱۳۸۷	اکبری	عرب	پیمایش	عرب‌های خوزستان	بین گرایش به هویت ملی و گرایش به هویت قومی همبستگی بالایی وجود دارد، احساس محرومیت نسبی تقویت‌کننده هویت قومی	رابطه معکوس احساس محرومیت نسبی تقویت‌کننده هویت قومی
۲۵	بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی / ملی): تحلیل گفتمان هویت قومی و ملی نخبگان استان کردستان	پایان نامه، ۱۳۸۸	سمیه رحمانی	کرد	تحلیل گفتمان	نخبگان استان کردستان	بر درون مایه فرهنگی گفتمان اغلب این نخبگان همراه با اتخاذ هویت مقاومت در برابر حاکمیت دلالت می‌کند. همچنین هویت قومی بر هویت ملی آنان برتری داشته و در کل چهار نوع نظم گفتمانی متفاوت را به خویش اختصاص داده است. گفتمان اسلامی با دو رویکرد اسلامی / قومی و روکرد اسلامی گفتمان هنری با دو رویکرد هنری و قومی / فرهنگی، گفتمان علمی با اتخاذ دیدگاهی واقع‌نگرانه از هویت قومی و گفتمان سوسیالیستی با رویکردی انسانی / قومی.	برتری هویت قومی بر هویت ملی

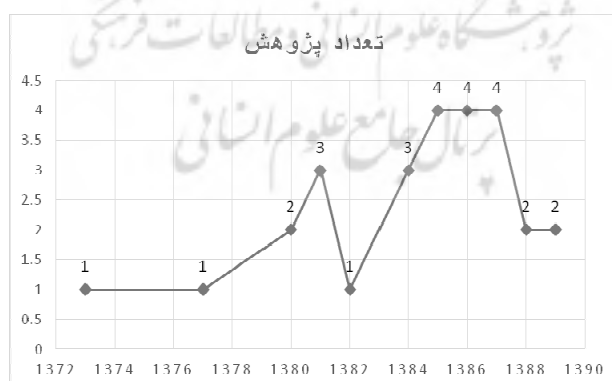
ادامه جدول ۱. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	منبع و سال	محقق	اقوام مورد بررسی	روش	جامعه آماری	یافته‌ها	نوع رابطه بین هویت ملی و قومی
۲۶	بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان	مطالعات ملی، ۱۳۸۹	بابل سحقی	کرد	پیمایش	جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان	بر اساس نتایج به دست آمده، ضریب همبستگی بین تمرکز زدایی و هویت قومی ۰/۳۳۶؛ میان تحصیلات و هویت قومی ۰/۱۲۶ و بین درآمد و هویت قومی ۰/۰۰۴ می‌باشد.	
۲۷	جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)	فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۹	اکرم جی، اسکندر فتحی آذر و بهمن محمدپخش	ترک	پیمایش	دانشجویان دانشگاه تبریز	بین هویت محلی پاسخگویان با هویت ملی رابطه منفی وجود دارد. به طوری که این همبستگی معکوس بین هویت محلی و هویت جهانی در میان همه گروه‌های قومی از جمله ترک‌ها، کردها و فارس‌ها به وضوح دیده می‌شود. همچنین رابطه مثبت پایگاه اجتماعی اقتصادی با هویت جهانی‌شان و رابطه منفی بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد با هویت محلی آنها، قابل توجه است. در ضمن، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: گروه‌های قومی، مذهبی و جنسی مختلف در چگونگی میزان هویت جهانی مؤثر، ولی در چگونگی میزان هویت محلی تأثیرگذار نیستند.	رابطه معکوس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

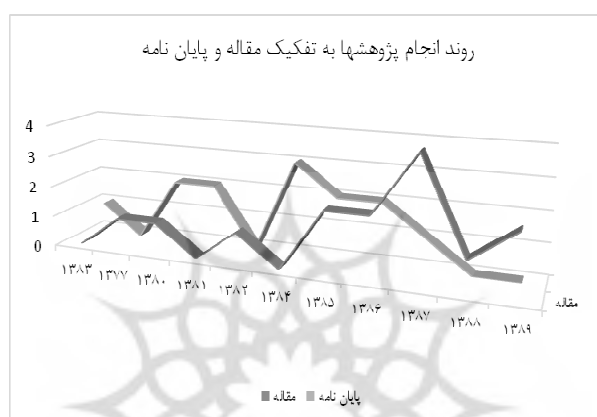
۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش شد مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در حوزه مطالعات قومی به بررسی رابطه هویت قومی و ملی پرداخته‌اند، جمع‌آوری و مورد ارزیابی قرار گیرد (شامل ۱۴ مقاله و ۱۳ پایان‌نامه). بررسی اقوام بررسی شده در پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد: ۳۳/۳ درصد پژوهش‌های انجام شده مطالعات خود را بر مبنای چند قومیت قرار داده‌اند. ۵۱/۹ درصد پژوهش‌های انجام شده نیز اقوام کرد، عرب و ترک را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. همچنین اقوام مورد بررسی در پژوهش‌ها به تفکیک مقاله و پایان‌نامه نشان می‌دهد که در مقالات گروه قومی عرب و مطالعات چند قومی بیشتر از سایر موارد بوده است. قوم ترک و کرد هر یک با ۱۴/۳ درصد و اقوام بلوچ و لر هر یک با ۷/۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بخش پایان‌نامه‌ها نیز مطالعات چند قومی (با ۳۸/۵ درصد) بیشتر از سایر موارد رواج داشته است. قوم کرد با ۲۳/۱، قوم بلوچ با ۱۵/۴ درصد و اقوام عرب، ترکمن و لر هر یک با ۷/۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بررسی روند رشد این پژوهش‌ها نشان می‌دهد: اجرای پژوهش‌ها در این حوزه بعد از سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است، به طوری که تا سال ۱۳۸۱ این روند همچنان سیر صعودی داشته در سال ۱۳۸۲ افت محسوسی داشته و بعد از سال ۱۳۸۲ از روند صعودی قابل توجه برخوردار بوده است. اما بعد از سال‌های ۱۳۸۵ روند نزولی آغاز می‌کند. به نظر می‌رسد که تغییر اولویت دولت، فضای سیاسی و نیز محدود شدن دانشگاه‌ها به ایجاد چنین وضعیتی انجامیده است.



نمودار ۱. تعداد پژوهش‌ها به تفکیک سال

اوج فعالیت‌های انجام شده در این حوزه مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ است. به نظر می‌رسد که سیاست‌های گفت‌وگو و تعامل در دولت اصلاحات تقویت‌کننده و ترغیب‌کننده مجامع علمی برای بررسی راهکارهای ایجاد رابطه مناسب بین هویت قومی و ملی بوده است. هر چند به‌طور کلی بعد از سال ۱۳۸۴ پرداختن به این نوع پژوهش‌ها روند کاهشی داشته و بعد از سال ۱۳۸۸ این روند سیر نزولی به خود گرفته است.



نمودار ۲. روند انجام پژوهش‌ها به تفکیک نوع و سال

۵-۱. روش انجام پژوهش و جامعه آماری مورد بررسی

بررسی روش‌های استفاده شده در این پژوهش‌ها نشان می‌دهد: حدود ۶۳ درصد پژوهش‌های اجرا شده از روش پیمایش، ۱۱/۱ درصد از روش تحلیلی، ۷/۴ درصد از روش اسنادی و ۷/۴ درصد از روش ترکیبی بهره برده‌اند و روش‌های تحلیل ثانویه، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا نیز هر یک با ۳/۷ درصد کمترین کاربرد را در این پژوهش‌ها داشته‌اند. بررسی جامعه آماری پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که حدود ۴۴/۴ درصد از پژوهش‌ها، یک شهر را به‌عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب کرده‌اند. بعد از آن ۱۱/۱ درصد از پژوهش‌ها یک استان، چند استان (منطقه‌ای) و یا یک یا چند دانشگاه را به‌عنوان جامعه آماری انتخاب کرده‌اند و جامعه آماری ۳/۷ درصد نیز در سطح ملی بوده است (تنها یک مطالعه). بررسی ابزارهای استفاده شده در پژوهش‌های بررسی شده نشان می‌دهد که پرسشنامه پرکاربردترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات (با ۶۸/۴ درصد)

بوده است.

۲-۵. رابطه هویت ملی و هویت قومی

بررسی نتایج و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نوع رابطه بین هویت ملی و هویت قومی نشان می‌دهد: ۵۱/۲ درصد از این پژوهش‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه هویت ملی و قومی مثبت و مستقیم است، به عبارت دیگر، با افزایش میزان هویت قومی، میزان هویت ملی نیز افزایش پیدا کرده است. ۳۰/۳ درصد از پژوهش‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه بین هویت قومی و هویت ملی معکوس و واگرا است. به بیان دیگر، با افزایش میزان هویت قومی، میزان هویت ملی کاهش پیدا می‌کند. حدود ۱۸/۲ درصد پژوهش‌ها نیز از داوری و اظهار نظر تک‌وجهی در رابطه هویت ملی و قومی اجتناب کرده و بیشتر به بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی و قومی و همچنین دلایل مؤثر بر کاهش و افزایش میزان هر یک پرداخته‌اند.

۱۸/۲ درصد نیز در گروه «بیش از یک وضعیت» قرار گرفته است. این دسته، شامل پژوهش‌هایی است که موضوع مورد مطالعه خود را به صورت عمیق‌تر و چندوجهی بررسی کرده‌اند، به طوری که از اظهار نظر کلی در مورد اینکه آیا رابطه هویت ملی و قومی واگراست یا همگرا، اجتناب کرده و ابعاد و مؤلفه‌های همگرایی و واگرایی را در فرایند پژوهش خود مشخص کرده‌اند. همچنین این گروه، مطالعاتی را شامل می‌شود که رابطه هویت قومی بیش از یک قوم را با هویت ملی بررسی کرده‌اند؛ در یکی از آنها رابطه همگرا و در دیگری رابطه واگرا گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج پژوهش‌ها در ارتباط با نوع رابطه دو هویت

درصد تجمعی	درصد فراوانی	تعداد فراوانی	
۱۵/۲	۱۵/۲	۵	رابطه مثبت و مستقیم (همگرا)
۴۵/۵	۳۰/۳	۱۰	رابطه منفی و معکوس (واگرا)
۶۳/۸	۱۸/۲	۶	بیش از یک وضعیت
۱۰۰	۱۸/۲	۶	اظهار نشده
	۱۰۰	۲۷	کل

بررسی نتایج پژوهش در ارتباط با رابطه هویت قومی و ملی به تفکیک روش مطالعه،

حاکمی از آن است که تنها پژوهش‌هایی نتیجه رابطه هویت ملی و قومی را معکوس نشان می‌دهد که از روش کمی استفاده کرده‌اند. در واقع ۴۱/۲ درصد نتایج تحقیقاتی که از روش پیمایش استفاده کرده‌اند و ۵۰ درصد پژوهش‌هایی که از روش ترکیبی بهره گرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه هویت قومی و هویت ملی رابطه‌ای معکوس و اگر است. در حقیقت می‌توان نتیجه گرفت که روش‌های پوزیتیویستی با توجه به اینکه داده‌های کیفی را به اعداد ریاضی تقلیل می‌دهند، علل و تفسیر اطلاعات را ارائه نمی‌کنند؛ این مسئله می‌تواند محققان را در تفسیر داده‌های کیفی دچار اشتباه کرده و تصویر نادرست و گاه معکوسی از واقعیت ارائه کند.

جدول ۳. روش اتخاذی و نتایج به دست آمده

جمع	رابطه همگرا		رابطه واگرا		بیش از یک وضعیت		اظهار نشده		جمع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
پیمایش	۳	۱۷/۶	۷	۴۱/۲	۳	۱۷/۶	۴	۲۳/۵	۷	۱۰۰
تحلیلی اسنادی	۱	۲۰	۲	۴۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۵	۱۰۰
تحلیل ثانویه	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	۰	۰	۱	۱۰۰
تحلیل گفتمان	۱	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰
تحلیل محتوا	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	۰	۰	۱	۱۰۰
ترکیبی	۰	۰	۱	۵۰	۰	۰	۱	۵۰		۱۰۰
کل	۵	۱۸/۵	۱۰	۳۷	۶	۲۲/۲	۶	۲۲/۲	۲۷	۱۰۰

بررسی نتایج پژوهش در ارتباط با رابطه هویت قومی و ملی به تفکیک قومیت‌ها، حاکی از آن است که ۳۳/۳ درصد یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با قوم ترک به این نتیجه رسیده است که رابطه بین هویت قومی و ملی این قومیت رابطه مثبت و مستقیم دارد، ۳۳/۳ درصد به این نتیجه رسیده است که بین این دو هویت رابطه متعارض وجود دارد و ۳۳/۳ درصد نیز به این نتیجه رسیده‌اند که بین این دو هویت ارتباطی وجود ندارد. در مقابل، ۴۰ درصد از یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با قوم عرب به این نتیجه رسیده است که رابطه هویت قومی و ملی رابطه با یکدیگر رابطه معکوس دارند. به عبارت دیگر، با افزایش هویت قومی اعراب، میزان هویت ملی آنها کاهش پیدا می‌کند.

نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش‌هایی که رابطه بین هویت قومی و ملی چند قوم را با هم بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد: حدود ۵۵ درصد این پژوهش‌ها به این نتیجه

رسیده‌اند که رابطه بین هویت قومی و ملی واگرا است.

جدول ۴. رابطه هویت قومی و ملی به تفکیک اقوام

جمع	اظهار نشده		بیش از یک وضعیت		رابطه واگرا		رابطه همگرا			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱۰۰	۳	۳۳/۳	۱	۰	۰	۳۳/۳	۱	۳۳/۳	۱	ترک
۱۰۰	۵	۲۰	۱	۴۰	۲	۲۰	۱	۲۰	۱	کرد
۱۰۰	۵	۴۰	۲	۰	۰	۴۰	۲	۲۰	۱	عرب
۱۰۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	ترکمن
۱۰۰	۳	۶۶/۷	۲	۳۳/۳	۱	۰	۰	۰	۰	بلوچ
۱۰۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۱	۰	۰	لر
۱۰۰	۹	۰	۰	۳۳/۳	۳	۵۵/۶	۵	۱۱/۱	۱	چند قومی
۱۰۰	۲۷	۲۲/۲	۶	۲۲/۲	۶	۳۷	۱۰	۱۸/۵	۵	کل

در مطالعاتی که رابطه هویت قومی و هویت ملی معکوس گزارش شده از متغیرهای تأثیرگذار و مورد سنجش «احساس محرومیت نسبی» و «احساس بی‌قدرتی» و «تعارضات سیاسی» و گاهی «عوامل اقتصادی» بوده است. چنین متغیرهایی در مطالعاتی که رابطه را همگرا گزارش کرده‌اند، مورد سنجش قرار نگرفته است. این یافته را می‌توان در راستای تأیید نظریه استعمار داخلی و کنش متقابل نمادین دانست. به‌عنوان نمونه ربانی و دیگران (۱۳۸۷) در در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی» با روش پیمایش انجام شده تلاش کرده‌اند رابطه هویت ملی و قومی و تأثیر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی را بر روی دانشجویان ترک، کرد و عرب مطالعه کنند. تعداد جامعه نمونه در این ۶۸۷ نفر گزارش شده است. در این پژوهش برای سنجش هویت قومی از عناصری چون میزان آگاهی، وفاداری و گرایش افراد به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که دانشجویان عرب دارای بیشترین میزان هویت قومی در بین دانشجویان هستند و پس از آنها دانشجویان کرد و ترک قرار دارند. دانشجویان شیعه و غیر بومی نیز نسبت به دانشجویان سنی و بومی از هویت قومی بالاتری برخوردار هستند. ولی تفاوت گروه‌های تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه و فنی و

مهندسی) از نظر میزان هویت قومی معنادار نیست. بررسی رابطه بین هویت قومی و ملی نیز نشان داد که در نمونه مورد مطالعه این دو متغیر در طول هم قرار دارند و مکمل یکدیگر هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین احساس محرومیت و هویت ملی رابطه معکوس و منفی ($R = -0/56$) و بین احساس محرومیت نسبی و هویت قومی رابطه مثبت ($R = 0/18$) برقرار است. بررسی متغیر جامعه پذیری قومی با هویت ملی و قومی نیز نشان داد که این متغیر با هر دو نوع متغیر رابطه مثبت دارد. در پایان محققان نتیجه گیری کرده اند که ارتباط مثبت بین هویت قومی و ملی نشان می دهد که هویت ایرانی ترکیب و برآیند دیالکتیکی حاصل از تعامل و کنش همه اقوام و فرهنگ های ایرانی است. بنابراین تأکید بر یک یا چند بعد از آن در نهایت به نفع انسجام ملی نیست و اجرای تکثر قومی و فرهنگی و احترام به فرهنگ های بومی ضرورتی انکارناپذیر است. این موضوع می تواند علاوه بر تقویت هویت های قومی به تقویت هویت و انسجام ملی نیز منجر شود.

همچنین حاجیانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نسبت هویت ملی و قومی در میان اقوام ایرانی» که با روش پیمایش در بین ۶ گروه قومی (کرد، بلوچ، ترک، عرب، ترکمن و لر) تلاش کرده علاوه بر سنجش میزان هویت ملی و هویت قومی در ابعاد سه گانه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نسبت و رابطه این دو هویت را بررسی کرده و مورد آزمون قرار دهد. جمعیت آماری پژوهش شامل افراد ۱۸ سال به بالا ساکن ۹ شهر بزرگ قوم نشین کشور بوده و با روش نمونه گیری چندمرحله ای، موارد نمونه انتخاب شده اند. نتایج به دست آمده در رابطه با میزان هویت ملی و قومی نشان می دهد که میزان هر دو هویت در بین اقوام مختلف نسبتاً بالا است. براساس یافته های این پژوهش، هویت قومی اقوام به ترتیب نزد ترکمن ها، عرب ها، لر ها، کردها، بلوچ ها و ترک ها قوی تر است. بررسی رابطه همبستگی میان ابعاد سه گانه دو متغیر هویت قومی و هویت ملی نیز نشان می دهد: میان بعد فرهنگی و بعد اجتماعی هویت ملی و هویت قومی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و تنها میان بعد سیاسی هویت ملی و بعد سیاسی هویت قومی رابطه منفی و معکوس برقرار است. نتایج حاکی از آن است که هویت قومی و هویت ملی هر دو در میان اقوام ایرانی، به طور توأمان، قوت و برجستگی دارند و میان آنها رابطه تعارض آمیز و قطبی وجود ندارد. همچنین می توان گفت: میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی و ابعاد فرهنگی (و تا حدودی اجتماعی) هویت ملی رابطه مثبت و قوی برقرار است، اما ابعاد سیاسی این دو نوع هویت

رابطه منفی با یکدیگر دارند.

مقدس جعفری و دیگران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد» به سنجش هویت ملی و قومی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور سقز و بررسی رابطه بین این دو هویت و عوامل مؤثر بر پایداری به هویت قومی و ملی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: دانشجویان کرد نسبت به همه مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی، به جز پایداری به دولت، پایداری زیادی دارند. این مسئله ناشی از نوعی احساس نابرابری (وجود تبعیض و محرومیت) است که دولت را عامل آن می‌دانند. نتایج پژوهش در ارتباط با نوع رابطه هویت ملی و قومی نیز داد که بین این دو هویت، برخلاف برخی نظریه‌ها، رابطه معکوس و متضاد وجود ندارد، بلکه رابطه بین آنها مستقیم و سازگار است. تحلیل چندمتغیره اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که متغیر نابرابری اجتماعی بیش از سایر متغیرها بر هویت قومی و ملی تأثیرگذار است و بیشترین سهم را در تبیین و پیش‌بینی پایداری به هویت ملی و هویت قومی دارد.

اکوانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان» به بررسی میزان گرایش به هویت ملی و قومی عرب‌های خوزستان می‌پردازد. تمام عرب‌های بالای هجده سال و دست کم دیپلم هفت شهر اهواز، آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، شادگان، ملاتانی و اروندکنار جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. هدف اصلی تحقیق، بررسی میزان گرایش عرب‌های خوزستان به هویت ملی و قومی و نیز بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی و میزان همگرایی افراد و گرایش آنها به عناصر هویت ایرانی است. برای گرایش به هویت ملی مؤلفه‌های «تعلق سرزمینی، تعلق به ملت، اعتماد به مسئولان و دستگاه اجرایی (دولت) و زبان فارسی» در نظر گرفته شده و هویت قومی نیز بر اساس دو شاخص «آداب و رسوم فرهنگی» و «زبان محلی» سنجش شده است. نتایج نشان می‌دهد: عرب‌ها نه تنها گرایش زیادی به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن آنکه منشأ برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی، همچون مشکلات اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن «احساس محرومیت نسبی» جست‌وجو کرد، نه در مؤلفه‌های ذهنی و تمایز گرایانه.

۳-۵. آسیب‌شناسی مطالعات انجام‌شده

توجه و بررسی علمی این موضوع در کشور از قدمت چندانی برخوردار نیست و بیشتر مطالعات این حوزه در دهه ۱۳۸۰ انجام شده است. بررسی مطالعات قبلی نشان می‌دهد که این مسئله در سایه نگاه امنیتی قرار داشته و ورود صاحب‌نظران به این حوزه با حساسیت‌هایی همراه بوده است. بررسی مطالعات گذشته و آسیب‌شناسی آنها نشان می‌دهد که مطالعات این حوزه با برخی ضعف‌ها و کاستی‌هایی همراه بوده است. مهم‌ترین این ضعف‌ها عبارتند از:

۱. نبود اجماع در تعریف تعداد قومیت‌ها: مسئله بعدی نبود تعریف جامع از تعداد قومیت‌ها در کشور است. به‌عنوان مثال برخی از صاحب‌نظران اقوامی چون فارس، لر، تالش، گیلک، مازنی و... را در مطالعات خود وارد می‌کنند و برخی نیز اعتقاد دارند این گروه‌ها را نمی‌توان به‌عنوان یک قوم تعریف کرد. این مسئله گذشته از ریشه داشتن در برخی اختلافات سلیقه‌ای و نگرشی در تعاریف مرتبط با قومیت (که امری طبیعی است) گاه ناشی از حساسیت‌های سیاسی و غیرعلمی است.

۲. محدود بودن جامعه آماری و جمعیت نمونه: جامعه آماری این پژوهش‌ها به جز چند مورد، اکثراً به سنجش گرایش‌های قومی دانشجویان محدود شده و جمعیت نمونه آنها به چندصد نمونه خلاصه شده است. به طوری بعد از مطالعه چلبی (۱۳۷۸) تقریباً هیچ پیمایش جامعی در سطح ملی انجام نشده است. هر چند در پیمایش «نگرش‌ها ملی ایرانیان» در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ بررسی هویت قومی پیش‌بینی شده، اما با توجه به محدود بودن شاخص‌های در نظر گرفته برای سنجش میزان آن، شناختی که از این مسئله ارائه می‌دهد بسیار کلی است.

۳. نبود ابزار استاندارد و واحد برای سنجش: تقریباً اکثر مطالعات انجام شده با شاخص‌های ابداعی خویش هویت قومی را مورد سنجش قرار داده‌اند و هیچ نوع ابزار سنجش استاندارد و پذیرفته شده‌ای در این زمینه وجود ندارد. علت بخشی از مطالعاتی که در ارتباط با یک قوم و در یک مقطع زمانی انجام می‌شود می‌تواند ناشی از این مسئله باشد.

۴. سطحی‌نگری در تعریف متغیرها و شاخص‌ها: تعریف متغیرها و شاخص‌های هویت قومی و به‌ویژه در بررسی عوامل مؤثر بر هویت قومی هنوز متأثر از نظریات رویکرد دیدگاه نوسازی است. وارد کردن متغیرهایی چون تحصیلات، پایگاه اجتماعی، وضعیت

اقتصادی و... و پیش فرض گرفتن رابطه معکوس این عوامل با هویت قومی و بی توجهی به مسائل ریشه‌ای تر می‌تواند باعث ایجاد شناخت مبهم از مسئله قومی در کشور شده است، چراکه این عوامل بیشتر در داخل یک گروه قومی می‌تواند کاربرد داشته باشد و مسئله تحقیر قومی که در نتیجه سیاست‌های همانندسازانه حکومت پهلوی به وجود آمده، از طریق سیستم آموزشی اعمال می‌شد. طبیعتاً افراد تحصیلکرده که امکان دستیابی به شغل و پایگاه اجتماعی بالا توسط آنها بیشتر است، به مراتب بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض این سیاست‌ها قرار داشته‌اند. دیگر آنکه مطالعه جنبش‌های قومی از جمله آذربایجان و تا حدودی کردستان نشان می‌دهد: گرایشات قومی در بین نخبگان و دانشجویان دارای پایگاه ویژه‌ای است و این گرایشات از سوی قشر نخبه و تحصیلکرده به سوی توده مردم در حال سرایت و نفوذ است.

۵. ملاحظات و حساسیت‌های غیرعلمی: مسئله قومی در ایران با وجود دستاوردها و پیشرفت‌های قابل توجه، هنوز با برخی حساسیت‌ها دست به گریبان است. یکی از این حساسیت‌ها نگاه بدبینانه و تردیدآمیز به قومیت‌ها است. این نگاه در اکثر مطالعات و پژوهش‌های علمی انجام شده در این حوزه به نوعی انعکاس داشته و بر نحوه انجام آنها اثر گذاشته و باعث نادیده گرفتن بسیاری از مسائل قومی شده و بی توجهی به آنها را در پی داشته است.

۶. سطحی‌نگری و کم توجهی به ابعاد چندگانه هویت قومی: اکثر مطالعات انجام شده، هویت قومی را به صورت یک شاخص کلی در نظر گرفته‌اند، در حالی که هویت قومی دارای ابعاد گوناگونی است و وزن و اهمیت هر یک از این ابعاد با هم تفاوت دارد.

۷. کم توجهی به تفاوت‌ها و ویژگی‌های اختصاصی اقوام: اگرچه ممکن است اقوام مختلف در برخی زمینه‌ها و مسائل کلی تشابهاتی با یکدیگر داشته باشند، باید در نظر داشت که هر قوم با توجه به شرایط و حساسیت‌های خاص خویش از سایر اقوام متمایز می‌شود. از طرف دیگر میزان خودآگاهی قومی، شدت احساس تبعیض و احساس محرومیت و... در اقوام مختلف متغیر است. بنابراین نمی‌توان همه اقوام را با یک نگاه کلی و واحد مورد بررسی قرار داد.

۸. کم توجهی به ابعاد فرهنگی قومی: در مطالعات انجام شده و بررسی عوامل مؤثر بر گرایشات قومی ابعاد سیاسی و اقتصادی بیش از سایر ابعاد مورد توجه قرار گرفته است. این

در حالی است که یکی از مسائل اصلی اقوام دغدغه‌های فرهنگی است. امان‌اللهی که به نقش فرهنگ در دگرگونی قومی تأکید کرده بر این باور است که فرهنگ نه تنها در شکل‌گیری هویت قومی عامل تعیین‌کننده است، بلکه در تداوم، تغییر یا از بین رفتن آن نیز عامل اصلی به شمار می‌آید. وی در ادامه این مبحث به جنبه‌هایی از فرهنگ که پیدایش و تداوم یا تغییر قومیت و گوناگونی قومی - فرهنگی دخالت دارند اشاره کرده و آورده است: «بررسی گروه‌های قومی در ایران بیانگر این واقعیت است که دو عنصر فرهنگی یعنی زبان و دین بیش از عناصر دیگر در تعیین هویت قومی دخالت دارند» (گودرزی، ۱۳۸۰: ۱۹). طرح مسائل فرهنگی از قبیل داشتن نشریه محلی، تلویزیون به زبان قومی و تحصیل به زبان مادری از موضوعاتی است که از سوی اقوام مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۹. کم‌توجهی به عنصر مذهب: اکثر اقلیت‌های قومی کشور از اقلیت‌های مذهبی نیز محسوب می‌شوند. با توجه به قابلیت‌های ویژه مذهب و وجود برخی تبعیض‌های مذهبی در کشور، این مسئله می‌تواند به‌عنوان عامل تشدیدکننده قومیت عمل کند. در مطالعات انجام شده در این حوزه به جز مطالعه ربانی و دیگران (۱۳۸۷) تفاوت مذهبی مورد توجه نبوده است.

گذشته از حساسیت و اهمیت مسائل فوق و ضرورت توجه به آنها در مطالعات قومی، مدنظر قرار دادن نکات زیر نیز لازم و ضروری است:

الف) جهانی‌شدن: با توجه به تأثیر زیاد این مسئله در فراهم کردن زمینه و عرصه‌های جدید برای تولید معنا و چالش کشیدن برخی ایده‌های سنتی و همچنین در برخی مواقع تثبیت برخی از آنها، نقش زیادی در حیات اجتماعی پیدا کرده است. زیرا جهانی‌شدن ارتباطات در عین کمک به نزدیکی و تفاهم ملت‌ها و فرهنگ‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری انواع هویت‌های جداگانه قومی و رجوع به ابتدایی‌ترین وفاداری‌های قومی و منطقه‌ای شده است. روند نوسازی در شرایط جهانی‌شدن بازارهای اقتصادی و ارتباطات همگانی خود، موجب پیدایش پدیده قوم‌گرایی و جست‌وجو برای هویت قومی بوده است (سیدامامی، ۱۳۷۷: ۹).

ب) توجه به تفاوت‌های مسئله قومی در ایران از سایر نقاط جهان: برخلاف ایران در سایر نقاط جهان بین هویت قومی و مهاجرت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اقوام در کشورهای غربی و مهاجرپذیر در واقع مهاجرانی هستند که (به دلایل گوناگون) از سایر

کشورها در کشور مقصد سکنی گزیده‌اند. به همین دلیل، رویکرد اصلی بررسی و مطالعه هویت قومی در این جوامع، منبعث از این ویژگی است. فینی بر این باور است که افزایش جمعیت گروه‌های اقلیت (و مهاجر) در آمریکا و سایر کشورهای غربی، موجب توجه بیشتر رسانه‌ها به مسائلی همچون قطبی شدن، تبعیض و نژادپرستی شده است (Phinney, 1990: 499)، ولی اقوام ایرانی از ساکنان اصلی و بومی مناطق خود بوده و از دیرباز ساکن این مناطق هستند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناخت چگونگی رابطه بین هویت قومی و هویت ملی امر بسیار حیاتی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کلان کشور است. در دهه‌های اخیر محققان توجه ویژه‌ای به موضوع هویت جمعی به کلی و هویت‌های ملی و قومی به‌طور خاص داشته‌اند. در دو دهه اخیر مطالعات مختلفی با رویکردها و روش‌های متنوع برای بررسی وضعیت هویت قومی و هویت ملی ایرانیان انجام شده است.

یافته‌ها حکایت از آن دارد که تعداد مقالات و پایان‌نامه‌ها در دوره‌هایی با فراز و فرودهایی مواجه بوده است. به نظر می‌رسد تغییر قابل توجه و افول در تعداد این مطالعات با تغییر سیاست‌های دولت در این حوزه همسو باشد. مطالعات مورد بررسی رابطه بین دو هویت جمعی ملی و قومی را مورد سنجش قرار داده‌اند و بی‌تردید با توجه به هدف، متغیرهای مورد بررسی، روش به کار گرفته شده و جامعه آماری مورد بررسی، نتایج متفاوتی حاصل شده است. بررسی نتایج و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نوع رابطه بین هویت ملی و هویت قومی نشان می‌دهد: اکثر پژوهش‌ها از داوری و اظهار نظر تک‌وجهی در رابطه با رابطه هویت ملی و قومی اجتناب کرده‌اند و بیشتر به بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی و قومی و همچنین دلایل و عوامل مؤثر بر کاهش و افزایش میزان هر یک از دو هویت پرداخته‌اند. بررسی نتایج پژوهش در ارتباط با رابطه بین هویت قومی و ملی به تفکیک قومیت‌ها حاکی از وضعیت‌های متفاوتی در بین اقوام مختلف در کشور است. به نظر می‌رسد که علت اساسی در تفاوت نتایج مطالعات مختلف، متغیرهای مورد سنجش است. در بررسی‌هایی که «احساس محرومیت نسبی»، «احساس بی‌قدرتی» و «تعارضات سیاسی» و گاه «عوامل اقتصادی» را بررسی کرده‌اند، رابطه بین دو نوع هویت را معکوس و واگرا گزارش کرده و پژوهش‌هایی که این متغیرها را مورد سنجش قرار

نداده‌اند، وضعیت‌های دیگری را اعلام داشته‌اند. با توجه به این مهم، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که واگرایی بین دو هویت را می‌توان با تمهیداتی نظیر محرومیت‌زدایی، بهبود و رونق اقتصادی در مناطق قومی و استفاده از ابزارهای فرهنگی، تقلیل داد و تلاش کرد از این طریق انسجام ملی را تقویت کرد.

در پایان ذکر چند نکته کلی که در حین فرایند انجام تحقیق به دست آمد خالی از لطف نخواهد بود:

- با توجه به حساسیت موضوع قومیت و هویت قومی در کشور، دانشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و دانشجویان نسبت به سایر اقشار جامعه در پرداختن به این مباحث پیشرو بوده‌اند، چراکه مطالعات این حوزه در دهه ۱۳۷۰ و قبل از آن در انحصار عده‌ای خاص بوده که عموماً رویکردی امنیتی به مسئله داشتند و سایرین چندان رغبتی به پرداختن به این مباحث حوزه از خود نشان نمی‌دادند.

- نمودار رشد مطالعات این حوزه حاکی از آن است که باز شدن نسبی فضای سیاسی دانشگاه‌ها در اوایل دهه ۱۳۸۰ در گسترش مطالعات این حوزه نقش بسیار زیادی داشته است. همان‌گونه که با تغییر دولت در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ شاهد کاهش قابل توجه در تعداد پژوهش‌های این حوزه هستیم. در واقع از آنجا که برخی از شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در سنجش هویت قومی «احساس محرومیت نسبی» و «احساس رضایت اجتماعی» است، با توجه به فضای حاکم بر دانشگاه‌ها و جامعه در اواخر دهه ۱۳۸۰، سنجش چنین متغیرهایی را با مشکلاتی مواجه می‌کرد و محتمل است که کمتر محقق‌های علی‌رغم مسئله بودن موضوع هویت، تمایل به رصد آن داشته است.

- نکته بعدی اینکه توجه همزمان چند رشته به مباحث این حوزه، امکان بررسی عمیق‌تر و از ابعاد گوناگون این مسئله را فراهم کرده است. چنانکه یافته‌ها نشان می‌دهد: علاوه بر حضور افراد و صاحب‌نظران علاقمند خارج از دانشگاه، در سطح دانشگاهی نیز رشته‌های مختلفی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات، علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و... به پژوهش در این حوزه علاقه نشان داده‌اند. هر چند جای خالی پژوهشگران و صاحب‌نظرانی از رشته‌های حقوق، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم تربیتی و... تا حدودی احساس می‌شود.

- اگرچه بررسی مسئله هویت قومی در رشته‌های مختلف و از ابعاد گوناگون این

فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران ۹۳

موضوع، اتفاق درخور توجه و میمونی است، متأسفانه سهم پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در بررسی موضوع قومیت بسیار ناچیز و اندک است و علی‌رغم فراهم بودن زمینه‌ها و بسترهای پژوهش بین‌رشته‌ای در این حوزه، اقدام قابل تأملی صورت نگرفته است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آموسی، مجنون (۱۳۸۴). بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲. احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۳. احمدی طامه، محمدرضا (۱۳۸۷). رویکردی نظری به رابطه دولت سرزمینی مدرن و قوم‌گرایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، تهران: دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
۴. احمدی، حمید (۱۳۸۴). «هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ»، مجموعه مقالات در آمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۵. اکوانی، سیدمحمدالله (۱۳۸۷). «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، زمستان، شماره ۳۶: ۱۲۶-۹۹.
۶. امیدیان، مرتضی (۱۳۸۴). «مقایسه وضعیت هویت‌یابی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در گروه‌های قومی استان خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۴، شماره ۷ (پیاپی ۲۸): ۱۲۴-۱۰۹.
۷. اوزکریملی، اوموت (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه مصطفی امیری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۸. پیردشتی، حسن (۱۳۸۰). رفتار سیاسی قوم ترکمن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۹. تقوی نسب، سیدمجتبی (۱۳۸۶). بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
۱۰. جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۹). «کتاب‌های درسی و هویت ملی: فراتحلیل مطالعات انجام شده بر کتاب‌های درسی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی، شماره ۴۲.
۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). «نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان: ۱۶۴-۱۴۳.
۱۲. حبیبی، اکرم، اسکندر فتحی آذر و بهمن محمدبخش (۱۳۸۹). «جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره سوم، شماره ۲، تابستان: ۱۲۱-۱۰۱.
۱۳. دوست‌امیری، علی (۱۳۸۵). نقش نیروهای مرکز‌گرا و مرکز‌گریز در همبستگی ملی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
۱۴. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران: نشر نی.
۱۵. رحمانی، سمیه (۱۳۸۸). بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی / ملی): تحلیل

- گفتمان هویت قومی و ملی نخبگان استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۶. رمضان‌زاده، عبدالله و محمدعلی بهمنی قاجار (۱۳۸۷). «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، فصلنامه مطالعات ملی ۳۳، سال نهم، شماره ۱.
۱۷. سبحانی، جلیل (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان)»، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۱، پیاپی ۴۱.
۱۸. سیدامامی، کاووس (۱۳۷۷). «یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱.
۱۹. سیف‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۳). نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر قومس.
۲۰. صدیق سروسستانی، رحمت‌اله و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷). «مطالعه تجربی منابع هویت ایران»، فصلنامه مطالعات ملی ۳۴، سال نهم، شماره ۲.
۲۱. علایی، بهلول (۱۳۸۵). «رابطه قوم‌مداری زبانی و جمع‌گرایی با کاربرد زبان فارسی در محیط‌های آموزشی یک منطقه ترک زبان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز) پاییز و زمستان، شماره ۴۹: ۳۹-۱۵.
۲۲. قاضی طباطبائی، محمود و ابوعلی ودادهیر (۱۳۸۹). فرا تحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۳. کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۸۲). «زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، زمستان: ۳۹-۱۵.
۲۴. کوزر، لوئیس (۱۳۷۸). زندگی دامنه پیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۲۵. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
۲۶. گنج‌خانلو، مصدق (۱۳۸۶). همگرایی و واگرایی از هویت ملی در نشریات دانشجویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسیدانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. گودرزی، حسین (۱۳۸۰). «توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه کرد در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
۲۸. گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، انتشارات تمدن اسلامی.
۲۹. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۳). «روش‌های قرآنی و روایی در حل بحران هویت دختران»، مبانی نظری هویت و بحران هویت، علی علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۰. معیدفر، سعید و عبدالوهاب شهلی بر (۱۳۸۶). «جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم بهار و تابستان، شماره ۱۵ (پیاپی ۵۷-۵۶): ۲۰۸-۱۸۳.
۳۱. معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ معین، جلد ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳۲. مقدس جعفری، محمدحسن، داور شیخاوندی و حامد شریف پور (۱۳۸۷). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد: مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، بهار، شماره ۳۳: ۹۷-۱۲۶.
۳۳. مقدس، علی اصغر و الله رحم حیدری (۱۳۸۷). «رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۱۹: ۱۷۷-۱۵۱.
۳۴. میرمحمدی، داود (۱۳۷۳). مطالعه و بررسی مولفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۵. نصرتی، روح‌الله (۱۳۸۴). بررسی صورت‌بندی الگوهای هویتی (محلی، ملی و جهانی) در میان دانشجویان دانشگاه تهران، مطالعه موردی: تطبیقی دانشجویان آذری و کرد دانشکده‌های علوم انسانی و فنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۶. نصیری فرد، تیمور (۱۳۸۱). شکل‌گیری دولت‌مدرن و تأثیر آن بر قوم‌گرایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳۷. نوشادی، سارا (۱۳۸۴). بررسی هویت ملی و هویت قومی جوانان کرد: مطالعه موردی جوانان کرد مهاباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۸. یوسفی، علی (۱۳۸۰). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان: ۱-۲۹.

ب) منابع لاتین

1. Phinney, Jean (1990). "Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review of Research", *Psychological Bulletin*, Vol. 108, No. 3 .